

گفت و گو با قاتلی که زن تنها را کشت

با یک اشتباه قاتل شدم

فکر نمی‌کرد راز جنایت خیلی زود فاش شود و سردی دستبند را بر دستانش حس کند. به اتهام قتل زنی میانسال دستگیر شده و حالا چشم انتظار آینده‌ای گنگ و نامشخص است. ۳۰ سال بیشتر ندارد و یک اشتباه از او قاتل ساخته. این هفته رو در روی این قاتل نشستیم و او با حوصله به پرسش‌های ما پاسخ داد.

چرا قتل؟

یک اشتباه. گاهی به جایی می‌رسی که فکر کردی نمی‌کنی و نمی‌توانی از مخمسه‌ای که در آن گرفتار شده‌ای، نجات پیدا کنی. من هم در همین نقطه ایستاده بودم و تنها راهی که به فکرم رسید کشتن آن زن بود.

چطور با مقتول آشنا شدی؟

من مسافر بر بودم. یک روز او را سوار کردم و در مسیر با من درد دل کرد. از شوهرش جدا شده بود و به تنهایی زندگی می‌کرد. شماره‌ام را گرفت تا هر وقت ماشین خواست با من تماس بگیرد. همین دیدارها باعث شد به هم علاقه‌مند شویم و رابطه‌مان شکل بگیرد. او از من خواست دیگر کار نکنم و هر ماه پولی به حسابم می‌ریخت تا هزینه زندگی‌ام کنم.

پس چرا او را کشتی؟

همه چیز خوب پیش می‌رفت. من به او علاقه‌مند شده بودم و اغلب زمانم را با او می‌گذراندم. یک روز او تماس گرفت و خواست سریع به خانه‌اش بروم. وقتی به آنجا رسیدم، حرفی را شنیدم که انتظارش را نداشتم. او از من خواست رابطه‌مان را رسمی کنیم. یعنی ازدواج دائم اما این کار نشدنی بود.

چرا؟

لادن حدود ۲۰ سال از من بزرگ‌تر بود. من خانواده‌ای

سنتی دارم که به هیچ عنوان با این قضیه موافقت نمی‌کردند. وقتی به او گفتم نمی‌توانیم ازدواج کنیم، رفتارش تغییر کرد. تبدیل به انسانی شد که او را نمی‌شناختم. هر روز بحث و دعوا داشتیم. تصمیم گرفتم به ارتباطم به او پایان بدهم. وقتی از این تصمیم مطلع شد، تهدیدهایش را شروع کرد. می‌گفت باید پول‌هایی را که در این مدت به من داده، همراه با سودش برگردانم، در غیر این صورت موضوع را به خانواده‌ام می‌گویم. نقطه ضعف مرا فهمیده بود و یک بار هم تا مقابل خانه‌مان آمد تا بدانم تهدیدش جدی است.

برای همین او را کشتی؟

البته قصد انجام این کار نداشتم. یک روز به خانه‌اش رفتم تا برای برگرداندن پول فرصت بگیرم اما او نه تنها فرصت نداد بلکه شروع به داد و فریاد کرد. جلوی دهانش را گرفتم تا همسایه‌ها مطلع نشوند و وقتی به خودم آمدم خفه‌اش کرده بودم.

بعد چه کردی؟

می‌دانستم اگر جسد را پیدا کنند، راز قتل فاش می‌شود؛ به همین دلیل جسد را در صندوق عقب ماشین گذاشتم و به ویلایمان در شمال بردم و آنجا دفن کردم. بعد هم به خانه بازگشتم.

چطور دستگیر شدی؟



عکس تزیینی است

با ناپدید شدن او خانواده‌اش به موضوع مشکوک شده و شکایت کردند. ماموران هم در تحقیقات متوجه تماس‌های او با من شده و دستگیر شدم. همه چیز علیه من بود و مجبور شدم اعتراف کنم.

واکنش خانواده‌ات چه بود؟

پیگیر پرونده‌ام هستند. البته هنوز نمی‌توانم در چشم پدر و مادرم نگاه کنم. با این کار آبروی آنها را بردم.

حرف آخر

من نمی‌خواستم کار به اینجا برسد. یک اشتباه کردم که آن دوستی با لادن بود. همین اشتباه و اشتباه‌های بعد از آن باعث شد الان اینجا باشم. امیدوارم خانواده لادن حرفم را باور کنند و مرا ببخشند.

فریب وام بدون ضامن را نخورید

معاون اجتماعی پلیس فتا در مورد کلاهبرداری با عنوان «وام بدون ضامن» هشدار داد.

سرهنگ رامین پاشایی در این باره گفت: آگهی پرداخت وام بدون ضامن تاحدودی جذاب است اما یک سری افراد کلاهبردار و شاید هستند که با ارائه شماره بانک و نشان دادن اوراق خاصی مردم را جذب می‌کنند. مثلاً کلاهبرداران برای پرداخت وام کشاورزی با رقم‌های بالا بابت ودیعه و بهای فعالیت خودشان، مبلغی را از وام گیرنده دریافت می‌کنند و هیچ‌گونه وامی هم نمی‌پردازند.

وی با اشاره به لزوم هوشیاری افراد در مواجهه با آگهی‌های پرداخت وام در فضای مجازی، اظهار کرد: در شرایطی که افراد برای گرفتن وام باید بروکراسی پیچیده‌ای را طی کنند، چگونه ممکن است وام سریع و بدون هیچ‌گونه رفت‌وآمدی پرداخت شود؟! البته برخی بانک‌ها هم در این زمینه پیشرفت بسیار خوبی کرده‌اند که نمی‌توان نادیده گرفت.

بانک مرکزی به‌عنوان ناظر به دنبال یک دریافت ابلاغیه از دادستانی است که هرگونه تبلیغات در این خصوص را در فضای مجازی ممنوع کند.

پاشایی در مورد تبلیغات در فضای مجازی به مردم هشدار داد که وقتی جنسی را از فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام می‌خرند حتماً هویت فروشنده و نشان اعتماد الکترونیک را احراز کنند.

هشدار هفته

شمارش معکوس برای قصاص عامل قتل ناموسی

ماجرا گفت: روز قتل تلفنی با همسر که در افغانستان است، صحبت کردم. مقتول در گوشه اتاق نشسته بود و استراحت می‌کرد. او وقتی فهمید با همسر صحبت می‌کنم، پشت سر هم شروع به حرف زدن کرد. او حرف‌های نامربوطی زد و فحش ناموسی داد. با شنیدن این حرف‌ها کنترل اعصابم را از دست دادم و به سمت او حمله‌ور شدم. محمداورا از پشت سر گرفت و من با چاقو ضربه‌ای به سینه‌اش زدم که باعث مرگش شد. من از مرگ او ناراحت‌م و از اولیای دم تقاضای بخشش دارم.

در ادامه وکیل ستار در جایگاه قرار گرفت و گفت: قاتل و مقتول از مدتی قبل با هم درگیری داشتند. این درگیری ریشه قبیله‌ای دارد و در افغانستان چند نفر به خاطر آن کشته شده‌اند. به نظر می‌رسد ریشه این قتل هم به آن درگیری قبیله‌ای برگردد.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات وارد شور شده و حکم به قصاص ستار دادند که با اعتراض او پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد و قضات دیوان عالی کشور حکم را تایید کردند. به این ترتیب شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شده و اگر او نتواند رضایت اولیای دم را کسب کند، به‌زودی قصاص می‌شود.

مرد افغان که هموطنش را به خاطر موضوعات ناموسی به قتل رسانده، با تایید حکم قصاصش در یک قدمی چوبه‌دار قرار گرفت.

رسیدگی به این پرونده از دی ماه ۹۶ پس از درگیری خونین دو مرد در یک ساختمان نیمه‌کاره در جنوب تهران آغاز شد. تحقیقات مقدماتی نشان داد، عبدالباقی ۳۰ ساله با ضربه‌های چاقوی همکارش به نام ستار کشته شده است.

با حضور تیم جنایی در محل جنایت، متهم دستگیر شد و در تحقیقات مقدماتی گفت: وقتی من و عبدالباقی درگیر شدیم دوستم محمد دستان او را نگه‌داشت و من دوضربه چاقو به سینه‌اش زدم.

تحقیقات برای دستگیری محمد آغاز شد اما ردی از او به دست نیامد و در نهایت پرونده برای رسیدگی به اتهام ستار به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. قبل از شروع رسیدگی به پرونده در شعبه دوم، مشخص شد ماموران پلیس ۴۵ روز قبل محمد را با هویت جعلی دستگیر کرده و او را به افغانستان برگردانده‌اند. به این ترتیب رسیدگی به پرونده آغاز شد و پدر مقتول در جلسه دادگاه درخواست قصاص قاتل پدرش را مطرح کرد.

ستار هم پس از قرار گرفتن در جایگاه در تشریح

محکمه